

زندگی خوابگاهی و رویکرد فرهنگی

(مطالعه موردی: خوابگاه های استان هرمزگان شهرستان بندرعباس)

فاطمه دهقانی سیاهیکی

رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفته، ایران

چکیده

محیط خوابگاهی مجموعه‌ای از افراد از فرهنگ‌های گوناگون را در خود جمع می‌کند. در این مجموعه برخی فرهنگ خود را برتر می‌دانند و تلاش برای گسترش آن دارند و برخی دیگر که تأثیرپذیری بیشتر و یا قدرت مقاومت کمتری دارند، مغلوب شده و لذا فرهنگ بومی آنها کم‌رنگ می‌شود. در این مقاله به بررسی زندگی خوابگاهی و رویکرد فرهنگی جوانان در خوابگاه پرداخته شده است. این تحقیق با روش کیفی و با استفاده از سه تکنیک مشاهده، مصاحبه نیمه ساخت یافته و پرسشنامه انجام شده است. افراد مورد مطالعه تحقیق از میان دانشجویان خوابگاه های دخترانه دولتی و خصوصی شهرستان بندرعباس انتخاب شده است. تعداد افراد نمونه ۳۳ نفر بوده که ۱۸ نفر آنها ساکن خوابگاه خصوصی و ۱۵ نفر ساکن خوابگاه دولتی بوده اند. مولفه‌های رویکرد فرهنگی شامل هویت خانوادگی، هویت مذهبی، هویت (یا میزان تعلق به) معاشران خوابگاهی و هویت جنسیتی بوده است.

نتایج حاصل از پرسشنامه پژوهش نشان می‌دهد پایداری دینی ساکنان خوابگاه دولتی بیشتر از خوابگاه خصوصی بوده است. ارزش‌ها و نگرش‌های دختران ساکن در خوابگاه خصوصی به مراتب مادی‌گرایانه‌تر از ساکنان خوابگاه دولتی بوده است.

دختران ساکن خوابگاه در چهار تیپ: مذهبی ساکن خوابگاه دولتی، غیرمذهبی ساکن خوابگاه دولتی، مذهبی ساکن خوابگاه خصوصی و غیرمذهبی ساکن خوابگاه خصوصی مورد مطالعه قرار گرفتند.

تیپ اول یعنی دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی دارای هویت خانوادگی مستحکم بوده و از نظر تعلق به معاشران خوابگاهی، اکثریت این افراد رابطه صمیمی با هم اتاقی‌های خود داشته‌اند.

تیپ دوم یعنی دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه دولتی در مقایسه با افراد تیپ اول از تعلق خانوادگی کمتری برخوردارند. اغلب افراد این تیپ با توجه به ابعاد مختلف دینداری دارای پایبندی دینی پایینی بوده‌اند. به لحاظ میزان تعلق به خوابگاه و معاشران خوابگاهی، نسبت به خوابگاه تعلق احساس نمی‌کنند. تیپ سوم یعنی دختران مذهبی ساکن خوابگاه خصوصی دارای تعلق خانوادگی بالا بوده و همچنین این افراد سطح بالایی از پایبندی دینی داشته و از هویت مذهبی قوی برخوردارند. میزان تعلق به خوابگاه در این افراد بسیار کم است اما سعی می‌کنند که رابطه خوبی با هم‌اتاقی‌های خود داشته باشند.

تیپ چهارم یعنی دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه خصوصی با افراد خانواده خود رابطه صمیمی دارند. میزان پایبندی دینی در غالب افراد این گروه پایین بوده است. غالب افراد این گروه تعلق چندانی به خوابگاه‌ها ندارند و افراد خوابگاه را معمولاً آدم‌های قابل اعتمادی ندانسته‌اند.

واژه‌های کلیدی: زندگی دانشجویی، زندگی خوابگاهی، دختران، رویکرد فرهنگی، سازگاری

مقدمه

ورود به دانشگاه در زندگی فرد واقعه مهمی محسوب می‌شود، چرا که بر شغل، درآمد، روابط اجتماعی و احتمالاً انتخاب همسر او در آینده مؤثر واقع می‌شود. اگرچه در گذشته ورود به دانشگاه در انحصار معدودی از برگزیدگان بود، در جهان معاصر، به دانشگاه رفتن بیشتر یک قصور شخصی تلقی می‌شود و ورود به دانشگاه با بهره‌هوشی فرد و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده او در ارتباط است. هر قدر که محصل دارای بهره‌هوشی بالاتری باشد و والدین او از رفاه بیشتری برخوردار باشند احتمال این که او به دانشگاه برود بیشتر است. اعم از این که دانشجو در یک دانشگاه بزرگ به تحصیل پردازد، و یا در یک مؤسسه آموزش عالی کوچک، بی‌تردید محیط آموزش عالی افق ذهنی او را گسترده‌تر می‌کند و در نظام پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های اجتماعی مورد قبول او دگرگونی‌های به وجود می‌آورد. صرف نظر از این که علت، آموزش دانشگاهی به حساب آید، و یا پختگی ذهن و یا صرفاً دوری بیشتر از خانواده، آن چه که قابل تعمق است تغییراتی است که در نگرش‌های اجتماعی دانشجو به وجود می‌آید.

از جمله عواملی که گسترش آموزش عالی را سبب گردیده است تبدیل آن به یک معیار سنجش ارزش فرهنگی و اجتماعی است و این هم در عرصه زندگی خانوادگی مشهود است و هم در عرصه ساختار اداری کشور. هم برای خانواده‌ها مهم است که فرزندان تحصیلات عالی داشته باشند (حتی اگر از آن استفاده نکنند) و هم برای سازمان‌ها، شرط احراز شغل برای بسیاری از شاغلین، دارا بودن مدرک دانشگاهی است، گاهی بی‌آن که حقیقتاً ضرورتی داشته باشد. در مواردی هم دولت‌ها از آموزش عالی به عنوان وسیله‌ای جهت حفظ جوانان از آسیب‌های اجتماعی، دور نگاه داشتن آن‌ها از بازار کار (که با مشکل مواجه است) و خلاصه ایجاد مشغولیت موقت برای آن‌ها استفاده کرده‌اند.

در ایران به‌ویژه در طول دهه گذشته مسئله هویت و تغییرات و چالش‌های هویتی به‌ویژه در میان جوانان و زنان مورد توجه و مطالعه قرار گرفته و در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. در همین راستا با توجه به دگرگونی‌های ساختاری ناشی از مدرنیزاسیون و تغییرات فرهنگی ناشی از مدرنیسم به‌ویژه در میان نسل‌های جدید و زنان که ورود و مشارکت بیشتری در عرصه‌های تحصیلی و شغلی داشته‌اند، ارزش‌ها و نگرش‌های جدیدی ایجاد شده است که الگوهای سنتی اندیشه و عمل و در نتیجه هویت‌های زنانه موجود را زیرسؤال برده است. تفاوت و گاه تضاد الگوهای فکری و عملی سنتی و جدید که در اثر عوامل گوناگونی روی می‌دهد، چالش‌های هویتی گوناگونی را ایجاد می‌کند. چند و چون این تغییرات هویتی به ویژه در بعد فرهنگی مطالعات وسیعی را ایجاد می‌کند تا هم روند تغییرات فرهنگی ترسیم شود و هم بتوان برای رفع چالش‌ها و تضادهای هویتی که همواره موجب تنش‌های فردی و اجتماعی است چاره‌جویی کرد. با توجه به افزایش روزافزون مهاجرت دانشجویان برای ادامه تحصیل و حجم دانشجویانی که از خوابگاه‌ها استفاده می‌کنند، خوابگاه دیگر صرفاً محلی برای اقامت استراحت و خواب دانشجویان نیست بلکه می‌بایست شرایط رشد فردی، اجتماعی و تحصیلی دانشجو را نیز فراهم کند. بنابراین برای طراحی و فضاسازی، باید علاوه بر اصول زیبایی‌شناختی، فنی و اجرایی، موارد دیگری مانند توقعات انسانی، ایجاد محیط و فضای مناسب شناخت پارامترهای مؤثر بر میزان رضایتمندی و نارضایتی دانشجویان که منجر به شناخت حداقل استانداردها و ارتقاء آن به کیفیت جهانی و در نتیجه ثمربخش بودن فعالیت‌های علمی - پژوهشی آنها خواهد شد را در نظر گرفت.

یکی از منابع تغییرات هویتی به‌ویژه در بعد فرهنگی تجربه زیست جهان‌ها و محیط‌های زندگی جدیدی است که هم شرایط جدیدی را به افراد تحمیل می‌کند و هم آنها را با محیط‌های جغرافیایی و اجتماعی جدید آشنا می‌سازد. نمونه‌ای از این موارد در مورد دختران جوانی مصداق دارد که برای ادامه تحصیل از شهر و خانواده خود دور شده و به شهری دیگر و به محیط زندگی خوابگاهی وارد می‌شوند. در این راستا در پژوهش حاضر در نظر داریم زندگی خوابگاهی و تجربه زندگی دور از محیط آشنا و بسته خانواده و مواجه شدن با افراد گوناگون را بر رویکرد فرهنگی دختران ساکن در خوابگاه مورد مطالعه قرار دهیم.

باید دید دانشجویانی که با زیست جهان جدید خوابگاه مواجه می‌شوند، با گذار از شرایط وابستگی به خانواده به شرایط استقلال نسبی و در وضعیتی که چه بسا نیازهای اولیه آنان به راحتی قابل رفع نباشد و همچنین زندگی با افراد دارای خلق و خو، منش و الگوهای رفتاری مختلف چه تغییراتی را در طرز فکر و نگرش و رفتار تجربه می‌کنند و در معرض کدام تغییرات هویتی و فرهنگی قرار می‌گیرند.

شرایط فرهنگی شهر محل تحصیل، خود از عوامل ناپایداری افراد محسوب می‌شود. برای مثال شخصی که محل سکونتش شهری کوچک و یا شهرستانی آرام بوده، با ورود به یک کلان‌شهر شلوغ برای تحصیل، ناگهان وارد محیطی می‌شود که باید مناسبات جدیدش را با ویژگی‌ها و الزامات جدیدی تنظیم کند. تقلید

صرف، تسلیم فرهنگی، خودباختگی و از خود بیگانگی خطری است که فرد را تهدید می‌کند. از طرف دیگر وجود تعصب قومیتی در فرد سبب انزوای او از محیط اجتماعی جدید می‌شود.

هویت روشن و نسبتاً با ثبات یکی از نیازهای شخصیت انسانی است. هویت زمانی آشکار می‌شود که انسان با دیگر هویت‌ها و طرز فکرهای مختلف و نقش‌های جدیدی که به عهده می‌گیرد مواجه می‌شود. مادام که غیری در کار نباشد، انسان از ویژگی‌های خودش آگاه نمی‌شود و هویت شکل نمی‌گیرد (مانی، ۱۳۷۴: ۱۴) و گاه هنگام تماس هویت‌ها با هویت غیر، تغییر و تحولاتی در هویت خودی بوجود می‌آید. به دلیل فراگیر بودن مفهوم هویت در حوزه‌های فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای عام سیاست و اقتصاد به مطالعه درباره آن همّت گمارده‌اند و از زوایای مختلفی آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. اما آنچه در این پژوهش مورد تأکید بیشتر واقع شده رویکرد فرهنگی است که از ابعاد مهم هویتی، به شمار می‌آید، چون با ارزش‌ها و نگرش‌های فرد ربط وثیقی دارد.

در تعریف رویکرد فرهنگی در دایره‌المعارف علوم اجتماعی چنین آمده است: رویکرد فرهنگی احساس تعلق و همبستگی به جامعه و فرهنگ آن است که در رفتار همه اعضای آن جامعه وجود دارد و سبب تمایز اعضای این جامعه از سایر جوامع می‌شود. رویکرد فرهنگی باعث می‌شود فرد در مقابل هنجارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید و انتظارات جامعه خود را پاسخ گوید و در مواقع بحرانی سرنوشت جامعه و غلبه بر آن بحران برای او مهم باشد. شایان ذکر است که احساس تعلق جمعی مستلزم حمایت جمع مذکور از فرد نیز هست و رابطه دو طرفه بین فرد و جمع را ایجاد می‌کند (باقر ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۰). خلاصه آن که رویکرد فرهنگی متضمن احساس تعلق به فرهنگ و جامعه است به گونه‌ای که اعضای یک جامعه یا گروه را از سایر گروه‌ها متمایز نماید. رویکرد فرهنگی بواسطه تعهد عملی که در فرد ایجاد می‌کند پیامدهایی دارد (باقر ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۱). فرهنگی که در فضا، مکان و زمان خاص شکل می‌گیرد هرچند ممکن است در طول زمان تغییر کند، اما کارکردها و رویه‌های فکری و رفتاری خاص خود را به دنبال دارد. فرهنگ‌ها نه منسجم و همگن‌اند و نه در سکون و ثبات دائمی، بلکه ذاتاً چندسویه، تغییر پذیر و باز هستند. به علاوه محیط‌های متفاوت، بر روی انسان و رفتار و هویت او تأثیر می‌گذارد، در واقع هویت ما در فرایند تعامل با دیگران و تعامل با محیط تغییر می‌کند. محیط جدیدی مانند خوابگاه و برخورد با انسان‌های جدید باعث شکل‌گیری روابط، تجربه‌ها و اتفاقات جدیدی می‌شود. داشتن ارتباط طولانی و زندگی کردن با افرادی که هم اتاقی نامیده می‌شوند سرآغاز تأثیر و تأثرهای بسیار است و از طرف دیگر الگوهای رفتاری متفاوت به ویژه عدم رعایت حقوق دیگران، مجادله‌های فرهنگی، اعمال تعصب، دخالت‌های سایرین و کمبود امکانات زندگی همه و همه باعث ایجاد درگیری‌ها و مشکلات گوناگونی می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر رفتارها و تعاملات افراد ساکن در خوابگاه اثر می‌گذارد.

خوابگاه در نظر ما محل سکونت موقت، مکانی با امکانات محدود و اولیه است که دانشجوی برای ادامه تحصیل در آنجا استقرار پیدا می‌کند. فرد با ورود به خوابگاه از محیط آشنایی که سال‌ها در آن زندگی کرده جدا می‌شود و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرد. زندگی در این محیط جدید با افرادی از فرهنگ‌ها و سلیقه‌های گوناگون منجر به شکل‌گیری تعاملات خاصی می‌شود، که چه بسا رویکرد فرهنگی فرد را در معرض تغییر و تحوّل قرار دهد. در نتیجه ممکن است وقتی که این افراد با این الگوهای جدید به شهر و خانواده و فرهنگ بومی خود برمی‌گردند، با چالش‌های جدی هویتی مواجه شوند و نابسامانی‌هایی را در سطح فرد، خانواده و اجتماع ایجاد کنند. آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسئله‌ی تغییرات فرهنگی و هویتی در میان دانشجویانی است که در شهر محل تحصیل‌شان در خوابگاه سکونت می‌گزینند. در این راستا بحث هویت فرهنگی در میان قشر دانشجویان به مثابه نقطه کانونی مسأله هویت از اهمیت شایانی برخوردار است، دانشجویان به سبب ویژگی سنی و جوان بودن و نیز به خاطر گستردگی شبکه روابط‌شان با افراد دارای هویت‌های مختلف، و تفکر نقّادانه‌ای که در مورد سنت‌ها و رویه‌های فکری و عملی زندگی دارند بیشتر در معرض مسائل و چالش‌های هویتی قرار دارند. زیرا از یک سو فضای دانشگاه بخصوص خوابگاه، آن‌ها را با ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای جدید اندیشه و عمل آشنا می‌کند و از سوی دیگر خانواده و بدنه جامعه بزرگتر معمولاً انتظار حفظ و پیروی از فرهنگ سنتی را از آنها دارد. این وضعیت در بیشتر اوقات به هویت‌های ترکیبی و چندگانه‌ای منتهی می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه و حتی خود نظام آموزش عالی کنونی ایران متفاوت است. به عبارت دیگر، جوان بودن دانشجویان به اضافه چندگانه‌شدن زیست‌جهان‌های آنها (به قول برگر)، تأثیرات رسانه‌ای مدرنیته (به ویژه رسانه‌های غیر رسمی) موجبات ترکیب‌های خاص هویتی دانشجویان را فراهم می‌آورد. در این موقعیت هویتی پیوندی، عناصر مختلفی از گفتمان‌های مختلف سنت (مانند مذهب) و مدرنیته (مانند سکولاریسم و ملی‌گرایی) دیده می‌شود که موجب تفاوت هویت‌های دانشجویی با سایر قشرهای جامعه می‌شود.

آغاز زندگی دانشجویی چالش‌های خاص خود را به همراه دارد. احساس تنهایی، جدایی از خانواده و دوستان و شبکه ارتباطات اجتماعی، زندگی در شهری جدید، آشنایی و مواجهه با فرهنگ و افراد مختلف، تأمین هزینه‌های زندگی، امتحانات و آزمون‌های گوناگون درسی و جا به جایی‌های مکرر در مسیر خانه و خوابگاه به طور بالقوه موجب ایجاد تنش‌هایی در زندگی روزمره آنها می‌شود.

ورود به خوابگاه از طرفی تصویر و رویای بی‌نظیر استقلال از خانواده و زندگی با دوستان هم‌سن و سال را در ذهن ایجاد می‌کند. اولین روزهای زندگی دانشجویی بدون حضور خانواده، در شهری غریب با افرادی از فرهنگ‌های مختلف و شخصیت‌هایی متفاوت با اسکان در اتاق‌های کوچک و بدون امکانات رفاهی کافی است تا همه ذهنیت‌های قبلی را از میان ببرد.

خوابگاهی مجموعه‌ای از افراد از فرهنگ‌های گوناگون را در خود جمع می‌کند. در این مجموعه برخی فرهنگ خود را برتر می‌دانند و تلاش برای گسترش آن دارند و برخی دیگر که تأثیرپذیری بیشتر و یا قدرت مقاومت کمتری دارند، مغلوب شده و لذا فرهنگ بومی آنها کم‌رنگ می‌شود.

افرادی که در خوابگاه زندگی می‌کنند معمولاً براساس ویژگی‌های مشترکی مثل رشته تحصیلی، طبقه اجتماعی، قومیت و زبان یا همشهری بودن تشکیل گروه داده و قواعد خاصی برای زندگی کنار هم تعیین می‌کنند. فرهنگ خوابگاهی از یک طرف دربردارنده همدلی، همکاری، احساس مسئولیت بیشتر، تحمل سختی‌ها و ناملايمات و دوری خانواده و از طرف دیگر موجد احساس آزادی و استقلال و آشنایی با آداب و رسوم و زبان‌ها و هویت‌های دیگر است.

تبعات ناشی از این دگرگونی‌های هویتی و رفتاری گسترده است. خشونت و پرخاشگری اولین نتیجه ضعف در برقراری ارتباط با دیگران و شناسایی محیط و سازگاری با آن است، عادات، رفتار و عقاید خاصی که در اثر زندگی در خوابگاه ایجاد می‌شود، چه بسا بعد از زندگی خوابگاهی نیز تداوم یابد.

بیان مسئله

مسئله ادامه تحصیل و رشد و ارتقای علمی، یکی از نیازهای رو به رشد جوامع امروز می‌باشد که جوانان مستعد و پر تلاش را به سمت و سوی خود جذب کرده است. از آنجا که دانشگاه‌ها در مراکز شهرهای بزرگ قرار دارند و از طرفی تنوع رشته‌ها به حدی است که امکان ارائه آن در همه دانشگاه‌ها نیست، بلکه هر دانشگاهی تعداد معدودی رشته را ارائه می‌نماید. چاره‌ای جزء ترک شهر و دیار نیست. در اکثر دانشگاه‌ها، خوابگاه‌هایی پیش‌بینی شده که محل استقرار دانشجویان غیربومی می‌باشد و این یعنی زندگی با فرهنگ‌های مختلف. آداب و رسوم و گویش و پوشش متفاوت خوابگاه را به محل تبلور و تظاهر انواع و اقسام فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ تبدیل می‌کند (فروتن، ۱۳۸۹).

اگر دانشجوی غیربومی با فرهنگ محل تحصیل خود سازگار نباشد با محیط اجتماعی جدید ارتباط برقرار نمی‌نماید و در محدوده ارزش‌های شخصی خود زندانی می‌شود و زمینه افسردگی روحی، افت تحصیلی و ناهنجاری‌های اجتماعی برای او فراهم می‌گردد و اگر امکانات فرهنگی، تفریحی و ورزشی دانشگاه و شهر محل تحصیل کم باشد دانشجو نمی‌تواند از اوقات فراغت خود استفاده مطلوب بنماید در نتیجه زمینه بروز ناهنجاری‌های اجتماعی برای او فراهم می‌گردد.

دانشجوی غیربومی کسی است که از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر برای ادامه تحصیل عزیمت می‌نماید. بنابراین یک مهاجر محسوب می‌گردد و هر شخص مهاجر متشکل از سه جزء نظام شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط است. نظام شخصیتی مهاجر با کنش فردی او ارتباط دارد و راهنمای کنش‌های فردی و روانی او است. نظام فرهنگی مهاجر متشکل از ارزش‌ها، زبان، هنر و سبک زندگی او و راهنمای رفتارهای او است و نظام اجتماعی مهاجر راهنمای او در زمینه حفظ الگوهای گذشته، پذیرش الگوهای جدید و

اختصاص وسائل لازم برای رسیدن به هدف‌های مطلوب و اجتماعی‌اش و مقابله او با جریان‌های اجتماعی مخالف است. یک دانشجوی غیربومی و مهاجر با این سه نظام ارزشی شکل گرفته در محیط اجتماعی گذشته‌اش، در محیط اجتماعی جدید قرار می‌گیرد و اگر ارزش‌های محیط اجتماعی قدیم و جدید او با هم سنخیت نداشته باشند او نمی‌تواند با محیط جدید به مبادله ارزش‌ها بپردازد و با محیط محل تحصیل خود سازگار و هم‌نوا گردد و این عدم سازگاری باعث کشمکش‌های فکری در او می‌شود و اگر شدت یابد باعث مشکلات فرهنگی و اجتماعی برای او می‌گردد. دانشجوی غیربومی و مهاجر وقتی در منطقه محل تحصیل خود قرار می‌گیرد ممکن است با فرهنگ و آداب و رسوم آن منطقه کاملاً آشنا نباشد و احتمال دارد که با فرهنگ آن منطقه سازگاری نداشته باشد. این عدم سازگاری فرهنگی باعث ایجاد مشکلات فرهنگی و اجتماعی برای او می‌گردد و این مشکلات ممکن است در وضعیت تحصیلی، روحی و اجتماعی او تأثیر منفی داشته باشد.

هویت در طول تاریخ همواره در زندگی بشر مطرح بوده و از زوایای مختلف و رویکردهای متفاوت به آن پرداخته شده است. فیلسوفان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ... هر کدام به شیوه‌های متفاوتی در صدد کشف جنبه‌ها و ابعاد آن بر آمده‌اند. با این اوصاف باز هم موضوع هویت مورد سؤال بوده است. این که ما کیستیم؟ موجودیت ما چیست؟ عناصر تشکیل‌دهنده هویت ما چیست؟ و چه چیزهایی هویت، کیستی و چیستی ما را مشخص می‌سازند؟ آیا تنها هویت فردی داریم یا دارای هویت جمعی نیز هستیم؟ اگر دارای هویت جمعی هستیم من (ما) به کدام اجتماع تعلق داریم؟ چه روابط مادی و معنوی مرا (ما را) به این جامعه و این جامعه را به من (ما) پیوند می‌دهد؟ ...

امروزه بخش‌های مختلف کره زمین در برگیرنده جنبش‌های گوناگونی است که تلاش برای حفظ یا احیای هویت‌های خاص و مقابله با جریان‌های جهانی، به‌ویژه فرهنگ جهانی را می‌توان وجه مشترک همه آنها دانست، این جنبش‌ها افراد و گروه‌هایی را بسیج می‌کنند، که در فضای اجتماعی - فرهنگی جهانی به دنبال فرهنگ و هویت سنتی ناب هستند و در برابر جریان‌های بیوقفه جهانی، بازسازی مرزهای محلی را آرزو می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۱) بی‌تردید، مسئله هویت به آینده‌ها نیز مربوط می‌شود. هم از این روست که هدایت تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و روابط فردی، گروهی و ملی لحاظ می‌شود. بنابراین فارغ از توجه ایجابی و سلبی اندیشمندان به موضوع، هویت خود را به مثابه یک مسئله فرهنگی - اجتماعی بر علوم انسانی و پژوهش‌گران این حوزه تحمیل می‌کند.

پذیرش و گرایش به فرهنگ بیگانه به‌ویژه مدرنیته غربی جریانی است که بسیاری از فرهنگ‌های بومی و محلی با آن مواجه هستند. یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در این جریان سلطه و برتری فرهنگ‌های بزرگتر در داخل یک کشور یا خارج از یک کشور است که سبب اضمحلال فرهنگ‌هایی که افراد در آن رشد و نمو یافته‌اند، این مسأله در شهرهای بزرگ که بیشتر در معرض فرایند جهانی شدن قرار دارند به

ویژه در خوابگاه‌های دانشجویی این شهرها، به دلیل دوری افراد از خانواده و افزایش آزادی‌های فردی تأثیرپذیری از محیط بیشتر می‌شود.

خوابگاه‌های دانشجویی دنیای تازه‌ای را پیش روی ساکنانش می‌گشاید. ساکنانی که از محیط کوچک اجتماع و کانون خانواده به دنیای پر از تنوع خوابگاه قدم می‌گذارند، هیچ پیش‌زمینه‌ای از این محیط در ذهن ندارند. لذا به یک‌باره با افراد که از فرهنگ‌های مختلف و محیط متفاوت مواجه می‌شوند که این مسئله خود چالش برانگیز است و موجب دوگانگی فرهنگی و مشکلات فراوان می‌شود.

دی جونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵) معضلات روابط جنسی و تولید مثل جوانان دانشجوی کشورهای عربی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آنست که شکاف بین نسلی در حال افزایش میان جوانان و والدینشان باعث اختلافات جنسیتی در فرصت‌های اجتماعی شده و علیرغم نیازهای اساسی جوانان، سکوت سیاسی در مورد سلامت جنسی و تولید مثل جوانان بوجود آمده است از دیگر نتایج این بود که رابطه مثبت با والدین و خانواده عامل محافظ و بازدارنده جوانان از موارد خطرناک جنسی و تولیدمثل است.

وان لار^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تأثیر هم‌اتاقی خوابگاه‌های دانشگاه کالیفرنیا در رفتار و نگرش قومی دانشجویان مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که زندگی با هم‌اتاقی‌هایی حتی از نژادهای مختلف باعث کاهش تعصبات قومی و تغییر رفتار در دانشجویان و افزایش عاطفه بین آنها گردیده بود.

اوسلو^۳ و گیرجین^۴ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر شرایط سکونت در ایجاد مهارت حل مشکلات اجتماعی دانشجویان خوابگاه‌های ترکیه نشان دادند دانشجویان پسر مستقر در خوابگاه‌های دانشجویی بیشتر از دانشجویان دختر توانایی ایجاد روابط عاطفی با دیگر دانشجویان راداشته و در حل مشکلات اجتماعی خود نسبت به آن‌ها موفق‌تر بودند.

روش پژوهش

در پژوهش کنونی نیز برای دست‌یابی به آگاهی دختران از هویت خود از روش پدیدارشناختی و تکنیک مصاحبه استفاده خواهیم نمود. از آن‌جا که، هویت فرهنگی، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی است که به یک فرد یا به یک گروه، «شخصیت» می‌دهند و به عبارت دیگر او را از سایر افراد یا گروه‌ها متمایز می‌کنند تا از این راه وی بتواند وارد روابط میان‌کنشی با خود و دیگران شود و به عبارتی بتواند مسؤولیت و توانایی «موجودیت» فیزیکی و ذهنی خود را بر عهده بگیرد و اساساً هویت موضوعی است که شامل معنا، تعریف و بازتعریف است، بنابراین برای سنجش و شناخت ابعاد آنها، تحقیق کیفی کارایی بیشتری دارد.

1. DeJong, J
2. VanLar
3. Uslu
4. Girgin

زیرا تحقیق کیفی گستره‌ای است که در آن بر کاربرد روش‌های متعدّد ت اکید می‌شود و توأم با نگرش تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع تحت بررسی است.

این بدان معنا است که محققان کیفی موضوعات را در زمینه‌های طبیعی خودشان، مطالعه می‌کنند و می‌کوشند تا پدیده‌ها را در قالب معانی‌ای که مردم به آنها می‌دهند فهم و تفسیر کنند. گذشته از این، تحقیق کیفی مستلزم استفاده توأم با برنامه و گردآوری داده‌ها از طرق مختلف از جمله روش‌های تجربی، مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، داستان‌نگری، مصاحبه و مشاهده است تا در لحظات عادی و حساس، معانی مندرج در زندگی افراد را توصیف کنند. از این‌رو در تحقیق کیفی، محقق برای احاطه بیشتر به موضوع مورد بررسی، طیف گسترده‌ای از روش‌ها را به کار می‌گیرد. شیوه‌گزینش ابزارها، روش‌ها و فنون در تحقیق کیفی، عمل‌گرایانه، راهبردی و خوداندیشانه است (دنزین به نقل از رفعت‌جاء، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

به این ترتیب قبل از شروع پژوهش تعداد افراد مورد پژوهش به طور واضح مشخص نیست. اما با توجه به اشباع نظری پژوهش، تعداد نمونه مشخص خواهد شد و افراد مورد مطالعه از میان دختران ساکن در خوابگاه‌های خودگرا و خصوصی (پانسیون) سطح شهرستان بندرعباس انتخاب شدند. به منظور پاسخگویی به پرسشهای تحقیق با توجه به ویژگی‌ها و شرایط متفاوت خوابگاه‌های دولتی و خصوصی و نقش تعیین‌کننده پایبندی دینی بر روی رویکرد فرهنگی سعی کردیم مصاحبه‌ها تپهای متفاوتی از دختران ساکن در خوابگاه رادبرداشته باشد. در تیپولوژی اولیه با در نظر گرفتن دو معیار دولتی یا خصوصی بودن خوابگاه و مذهبی بودن یا مذهبی نبودن افراد ۴ تیپ را مشخص کردیم. سپس بر اساس معیار به اشباع رسیدن داده‌ها و کفایت تعداد مصاحبه‌ها در هر تیپ در نهایت با ۱۵ نفر از ساکنان خوابگاه دولتی و ۱۸ نفر از ساکنان خوابگاه خصوصی مصاحبه کرده و پرسشنامه‌هایی را نیز برای تکمیل و یا واری داده‌های مصاحبه در اختیارشان قرار دادیم.

در پژوهش حاضر موضوع هویت را با رویکردی کیفی و توسط فنون گوناگون با تأکید بر مصاحبه مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

روش تحلیل داده‌های مصاحبه اینگونه است: «پس از این که مصاحبه‌ها به طور کامل پیاده و مکتوب شد، برای تحلیل داده‌های آن ابتدا پاسخ‌ها به صورت باز کدگذاری می‌شود و سپس بر اساس محورهای مشترک شناسایی شده در آنها در قالب محدودتر و مشخص‌تری جای داده می‌شوند. از آن‌جا که در جریان کدگذاری باز داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درمی‌آیند، برای رسیدن به این هدف باید ابتدا داده‌ها را از

1. naturalistic
2. introspection
3. pragmatic
4. self-reflexive

هم مجزا کرد و سپس عبارت‌ها را براساس واحدهای معنایی دسته‌بندی کرده تا مفاهیم (کدها) به آن ضمیمه شوند» (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

در پژوهش حاضر نیز متن مصاحبه‌ها با دقت مجزا شده و به جمله‌ها و عبارت‌های مربوط به هر محور مصاحبه کدهایی اختصاص یافته است. سپس پاسخ‌ها باهم مقایسه و موارد مشترکی که در هر محور از مصاحبه وجود داشت شناسایی و ثبت شد تا در نتیجه‌گیری‌های تبیینی مورد استفاده قرار گیرد. اطلاعات زمینه‌ای و جمعیت شناختی توسط پرسش‌نامه گردآوری شده است. پرسش‌های مندرج در پرسش‌نامه علاوه بر پرسش‌های پیشینه‌ای مانند سن، تأهل، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، سایر عوامل مرتبط با رویکرد فرهنگی را نیز که یا از طرق دیگر قابل سنجش نبود و یا نیاز به اطلاعات تکمیلی داشت، در بر می‌گیرد مثل میزان پایبندی دین و ارزش‌ها و نگرش‌ها، سلیقه فرهنگی، نحوه مدیریت بدن و خودپنداره یا پنداشت فرد از خودش

یافتهای کمی پژوهش

۱- سن پاسخگویان بر حسب نوع خوابگاه

دولتی	خصوصی	نوع خوابگاه	
درصد	درصد	گروه‌های سنی	
۰.۲۰	۹.۵	سال ۲۴-۲۰	
۳.۵۳	۷.۶۴	سال ۲۹-۲۵	
۷.۲۶	۴.۲۹	سال ۳۴-۳۰	
۱۵	۱۷	فراوانی	جمع
ضریب همبستگی ۷ کرامر = ۰.۲۲			

۹۴ درصد افراد ساکن در خوابگاه خصوصی سنی معادل ۲۵ سال و بیشتر داشته اند در حالی که ۲۰ درصد ساکنان خوابگاه دولتی سنی کمتر از ۲۵ سال داشته اند با این همه میانگین سنی در دو نوع خوابگاه تفاوت چندانی نداشته است.

۲- میزان پایبندی دینی به تفکیک نوع خوابگاه

نوع خوابگاه		دولتی	خصوصی
پایبندی دینی		درصد	درصد
پایین		۴.۲۱	۱.۶۱
نسبتا پایین		۹.۴۲	۲.۲۲
نسبتا بالا		۷.۳۵	۱.۱۱
بالا		۰.۰	۶.۵
جمع	فراوانی	۱۴	۱۸
کرامر=V=۰.۴۶			

پایبندی دینی ساکنان خوابگاه دولتی بیشتر از خوابگاه خصوصی بوده است. پایبندی دینی پایین در ساکنان خوابگاه خصوصی ۸۳ درصد و در ساکنان خوابگاه دولتی ۶۴ درصد بوده و در مجموع پایبندی دینی در هر دو خوابگاه پایین بوده است.

۳- اهمیت دادن به خودآرایی (آراستن خود هنگام بیرون رفتن از خانه) بر حسب نوع خوابگاه

نوع خوابگاه		دولتی	خصوصی
آراستن خود هنگام بیرون رفتن		درصد	درصد
بی اهمیت		۰.۲۰	۶.۵
کم اهمیت		۰.۴۰	۲.۲۲
نسبتا مهم		۷.۲۶	۹.۳۸
بسیار مهم		۳.۱۳	۳.۳۳
جمع	فراوانی	۱۵	۱۸
ضریب همبستگی		کرامر=V=۰.۳۵	

اهمیت خودآرایی و آرایش در نزد ۷۲ درصد ساکنان خوابگاه های خصوصی و ۴۰ درصد ساکنان خوابگاه دولتی بالا بوده و نشان می دهد در نمونه مورد مطالعه ما ساکنان خوابگاه خصوصی بیشتر از ساکنان خوابگاه دولتی به خودآرایی اهمیت می دهند.

۴- عوامل برازندگی زن در منظر عام بر حسب نوع خوابگاه

دولتی	خصوصی	نوع خوابگاه	
درصد	درصد	عوامل برازندگی زن	
۴.۲۱	۸.۴۳	کاملاً مادی	
۷.۳۵	۵.۳۷	نسبتاً مادی	
۶.۲۸	۸.۱۸	نسبتاً فرامادی	
۳.۱۴	۰.۰	کاملاً فرامادی	
۱۴	۱۶	فراوانی	جمع
کرامر=۳۵.۰۷			همبستگی

عوامل برازندگی زن در نظر دختران ساکن در خوابگاه خصوصی مادی گرایانه تر از ساکنان خوابگاه دولتی بوده است یعنی ویژگی های جذابیت، اندام متناسب، طنازی و وضعیت اقتصادی خوب اهمیت بیشتری قابل بوده اند به طوری که ۸۱ درصد آنان به اهمیت ویژگی های مادی و ۱۹ درصدشان به اهمیت ویژگی های نسبتاً فرامادی معتقد بودند. اما در دختران ساکن خوابگاه دولتی نسبت افرادی که بر اهمیت ویژگی های مادی در برازندگی زن تاکید داشتند ۵۷ درصد و نسبت افراد معتقد به اهمیت ویژگی های فرامادی (تحصیلات دانشگاهی، استقلال مالی، شاغل بودن) حدود ۴۳ درصد بوده است.

جدول ضرایب همبستگی نوع خوابگاه و برخی از عوامل مورد مطالعه*

تعداد	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل
۳۲	۰/۲۱	سن (میانگین سنی در خوابگاه خصوصی بیشتر بوده) * همبستگی نسبتاً ضعیف
۳۲	۰/۴۶	میزان پایبندی دینی (پایبندی دینی در خوابگاه دولتی بیشتر بوده) * همبستگی نسبتاً بالا
۳۳	۰/۳۵	ارزش ها و نگرش ها (از کاملاً مادی تا کاملاً فرامادی) (ارزشهای مادی گرا در خوابگاه خصوصی بیشتر بوده) * همبستگی نسبتاً بالا
۳۳	۰/۳۴	گرایش به خود آرایی (در ساکنان خوابگاه خصوصی بیشتر بوده) * همبستگی نسبتاً بالا

«شایان ذکر است که این پژوهش با رویکرد کیفی انجام گرفته و قصد و هدف آن شناخت نقش زیست جهان خوابگاه در نحوه تاثیر رویکرد فرهنگی ساکنان بوده است. و از آن جا که نمونه گیری به شیوه تصادفی صورت نگرفته بلکه به صورت هدفمند و بر اساس ملاحظات نظری و عملی هدایت شده و بخش اعظم داده های مورد نیاز از طریق مصاحبه گردآوری شده لذا تنها روابط میان برخی از عوامل عینی مورد مطالعه و نیز عواملی که صرفا توسط مصاحبه قابل شناسایی نبود و امکان مشاهده مشارکتی برای تکمیل داده های کیفی نیز وجود نداشت (مانند پابندی دینی و هویت جنسیتی) توسط مقیاس ها و شاخص های چندگانه نیز سنجیده شده و ضرایب همبستگی مربوطه در تحلیل ها مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. از این رو توجه به سطح معناداری ضرایب همبستگی که به میزان تعمیم پذیری نتایج به جامعه آماری مربوط است و در تحلیل های استنباطی و در نمونه های تصادفی و تحقیقات کمی به کار می رود در این جا محلی از اعراب ندارد.

۲) مقایسه میانگین ها

مقایسه میانگین سنی بر حسب نوع خوابگاه

T value	انحراف معیار	میانگین شاخص	تعداد پاسخگویان	نوع خوابگاه
-۰/۸۹۴	۲/۹۹۵	۲۴/۷۰	۱۵	دولتی
	۳/۰۲۰	۲۸/۳۵	۱۷	خصوصی

جدول فوق گویای آن است که میانگین سنی ساکنان دو خوابگاه خصوصی و دولتی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته است.

مقایسه میانگین پابندی دینی بر حسب نوع خوابگاه

T value	انحراف معیار	میانگین شاخص	تعداد پاسخگویان	نوع خوابگاه
۷۰۰.۱	۸/۲۲۹	۳۲/۷۸	۱۴	دولتی
	۸/۹۳۲	۲۷/۵۵	۱۸	خصوصی

نتیجه فوق نشان می دهد که میانگین پابندی دینی در ساکنان خوابگاه دولتی بیشتر از ساکنان خوابگاه خصوصی بوده است.

مقایسه میانگین گرایش به معیارهای فرامادی بر حسب نوع خوابگاه

T value	انحراف معیار	میانگین شاخص	تعداد پاسخگویان	نوع خوابگاه
۶۴۵.۱	۵/۵۶۹	۳۶/۳۵	۱۴	دولتی
	۳/۶۵۰	۲۵/۵۶	۱۶	خصوصی

نتایج فوق‌گویی آن است که میانگین دو گروه ساکن در خوابگاه خصوصی و دولتی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته و گرایش به عوامل و معیارهای فرامادی در ساکنان خوابگاه خصوصی کمتر از خوابگاه دولتی بوده است.

آزمون مقایسه میانگین اهمیت خودآرایی بر حسب نوع خوابگاه

T value	انحراف معیار	میانگین شاخص	تعداد پاسخگویان	نوع خوابگاه
-۰۶۲.۲	۳/۲۵۱	۱۳/۰۰	۱۵	دولتی
	۳/۳۶۳	۱۵/۳۸	۱۸	خصوصی

نتایج فوق‌گویی آن است که میانگین نمره اهمیت به خودآرایی دو گروه خوابگاه خصوصی و دولتی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشته و پابندی به آرایش در خوابگاه خصوصی بیشتر بوده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دانشگاه محل تجمع تعداد زیادی از بهترین جوانان هر سرزمین است. افرادی که چه به لحاظ سنی و چه به لحاظ ضریب هوشی در وضعیت منحصربفردی به سر می‌برند. برخی از این دانشجویان برای کسب تحصیل و ارتقاء علمی خود، اقدام به مهاجرت کرده و در شهرهای دیگری غیر از محل سکونتشان به تحصیل ادامه می‌دهند. به همین دلیل برای کاهش مشکلات این قشر، خوابگاه‌های دانشجویی تدارک دیده شده است. خوابگاه‌های دانشجویی که از امکانات و شرایط ویژه‌ای برخوردار است ممکن است با برخی کاستی‌ها و مشکلات نیز همراه باشد.

چهار تپه‌ی که خوابگاه در تاثیر رویکرد فرهنگی آنها نقش داشته شامل موارد زیر است:

تپه اول) دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد تپه اول ۵.۲۶ سال بوده و به طور متوسط ۵.۳ سال ساکن خوابگاه بوده‌اند. غالب افراد این تپه دارای هویت خانوادگی مستحکم بوده و احساس تعلق بالایی به خانواده داشته و تعامل با اعضای

خانواده را نسبت به دوستان خود ارجح دانسته اند و بیش از نیمی از آنها یکی از افراد خانواده را الگو و گروه مرجع خود در زندگی ذکر کرده اند همچنین نتایج نشان می دهد که غالب افراد این تیپ ارتباط صمیمی با خانواده خود دارند.

میزان پایبندی به دین در تمامی افراد این گروه، بالا بوده و از هویت دینی قوی برخوردار بوده اند. به گونه ای که زندگی در محیط خوابگاه نیز خللی در آن ایجاد نکرده است.

در زمینه احساس تعلق به معاشران خوابگاهی، اکثریت این افراد رابطه صمیمی با هم اتاقی های خود دارند و زندگی در خوابگاه را با وجود معایب پذیرفته اند.

در مقوله هویت جنسیتی بهره مندی از تحصیلات و مرتبه علمی بالا، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، برخورداری از آرامش روحی و روانی و اخلاق پسندیده مشخصه مشترک افراد این تیپ در بیان ویژگی های زن ایده آل بوده است. به علاوه هرچند به لحاظ اهمیت خودآرایی و آراستگی های ظاهری برای زن ایده آل در بین افراد این تیپ اتفاق نظر وجود نداشت اما هرچه پایبندی دینی بالاتر بوده فرد اهمیت کمتری برای این ویژگی قایل بوده است. چهار نفر افراد این تیپ اهمیت این مقوله را کم و ۵ نفر بقیه نیز آن را نسبتاً مهم شمرده اند.

تیپ دوم) دختران غیر مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد این گروه ۲۸.۷ سال بوده و به طور متوسط ۴.۳ سال سابقه سکونت در خوابگاه دارند. غالب افراد این گروه رابطه صمیمی با والدین خود دارند و خود را متعلق به خانواده ای صمیمی دانسته اند با این حال تنها نیمی از افراد این تیپ گفته اند که مسائل مهم زندگی خود را با خانواده در میان می گذارند و ترجیح می دهند بیشتر وقت خود را با خانواده بگذرانند و نیم دیگر این تیپ بر این باورند که تعلقات خانوادگی آنها به دلیل تغییر عقایدشان کمرنگ و ضعیف شده است. نهایتاً از مجموع صحبت های افراد این تیپ می توان نتیجه گرفت که هر چند غالب افراد این تیپ دارای تعلق خانوادگی نسبتاً بالایی هستند اما در مقایسه با افراد تیپ اول (یعنی افراد مذهبی ساکن خوابگاه دولتی) از تعلق خانوادگی کمتری برخوردارند. اغلب افراد این تیپ با توجه به ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، مناسکی و پیامدی) دارای پایبندی دینی پایینی بوده اند.

به لحاظ میزان تعلق به خوابگاه و معاشران خوابگاهی، نسبت به خوابگاه تعلق احساس نمی کنند. این افراد علت تعلق نداشتن به خوابگاه را مشکلاتی همچون مقررات سخت خوابگاهی، جمعیت زیاد و کمبود امکانات و غیربهداشتی بودن محیط خوابگاه و اتاق ها دانسته اند. اما با وجود اجبار به زندگی خوابگاهی رابطه خود را با دوستان خوابگاهی صمیمی توصیف کرده اند و زندگی با گروه همسالان و امکان انتخاب دوست از میان همفکران را از مزایای زندگی خوابگاهی برشمرده اند.

در ترسیم ویژگی های زن ایده آل افراد این تیپ تحصیلات عالی و ثروت، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، برخورداری از فضیلت های اخلاقی و آراستگی و زیبایی ظاهری را از ویژگی های بایسته یک زن ایده آل ذکر کرده اند. این ویژگی ها نشان می دهد که در هویت جنسیتی مورد نظر افراد این تیپ ویژگی های اکتسابی و نقش های اجتماعی اهمیتی بیشتر از ویژگی های مادی و ظاهری دارد.

تیپ سوم) دختران مذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این گروه ۳۰ سال بوده و به طور متوسط ۲ سال در خوابگاه خصوصی سکونت داشته اند. غالب آنها در مقطع فوق لیسانس تحصیل می کنند. صمیمیت خانوادگی افراد این تیپ به ارتباط صمیمی با یکی از والدین مربوط می شود و غالب آنها مادرشان را صمیمی ترین عضو خانواده ذکر کرده اند. افراد این تیپ الگوی رفتاری و گروه مرجع خود را اعضای خانواده و بیشتر والدین خود ذکر کرده و گفته اند که در تصمیم گیری هایشان حتماً نظرات آنها را لحاظ می کنند. تعلق خانوادگی این افراد نیز به تبع الگوپذیری از خانواده زیاد است. به طور کلی خانواده، روابط خانوادگی و زندگی خانوادگی در افراد این گروه بخش مهمی از رویکرد فرهنگی شان را تشکیل می دهد که تأیید کننده بنیان مستحکم خانواده در افراد این تیپ است.

تمام افراد این تیپ هم به لحاظ بعد اعتقادی و هم به لحاظ بعد مناسکی سطح بالایی از پابندی دینداشته و از هویت مذهبی قوی برخوردارند. انجام مناسک مذهبی (به ویژه واجبات دینی) بدون هیچ کنترل و اجباری نشان می دهد که افراد این گروه با توجه به این که تنها و دور از خانواده زندگی می کنند و از سوی خانواده نظارت و کنترلی بر آنها اعمال نمی شود اجباری در پابندی به دین ندارند و طبق انتخاب خودشان این هویت را برگزیده اند و آن را سرمنشا و راهنمای زندگی قرار داده اند.

در زمینه تعلق به خوابگاه و معاشران خوابگاهی غالب افراد این تیپ اظهار کرده اند با توجه به نامطلوب بودن زندگی در خوابگاه خصوصی برای یک دختر جوان از نظر اجتماع به ابراهویت خوابگاهی خود تمایلی ندارند. هرچند میزان تعلق به خوابگاه در این افراد بسیار کم است و شباهت و احساس تعلق به معاشران خوابگاهی ندارند و با آنها چندان صمیمی نیستند اما سعی می کنند که رابطه خوبی با آنها داشته باشند. این گروه زندگی در خوابگاه را علی رغم وجود مشکلاتش پذیرفته اند چون به نظرشان فرصتی برای یادگیری زندگی اجتماعی، استقلال، تعامل با فرهنگ های مختلف و داشتن حریم خصوصی برایشان فراهم می کند.

یک زن ایده آل از نظر افراد این تیپ دارای ویژگی های آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب بخصوص با همسر، شاغل بودن، سازگاری اخلاقی، آراستگی در محیط خانه و زیبایی و صبوری است. همچنین این افراد برای آراستگی های بیرون از خانه اهمیت کمی قایلند و معتقدند حضور زن در بیرون از خانه باید عاری از جلوه نمایی و آرایش نمایان و افراطی باشد.

تیپ چهارم) دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این تیپ ۲۹ سال بوده و از نظر تحصیلات غالب آنها در مقطع لیسانس قرار دارند. و میانگین مدت سکونت این افراد در خوابگاه ۳ سال بوده است. در این تیپ اغلب مصاحبه شوندگان گفته اند که با خانواده خود رابطه صمیمی دارند. الگوی مرجع تمام دانشجویان این گروه خانواده آنها بوده است و به رغم زندگی دور از خانواده در شهر نسبتاً مدرن بندرعباس هنوز از خانواده به عنوان الگوی رفتاری و اجتماعی خود نام می برند.

اغلب افراد این تیپ در خصوص یکی از ابعاد مهم پایبندی دینی یعنی بعد مناسکی (عمل به واجبات دین) گفته اند که به نماز و روزه و حجاب اسلامی پایبندی کمی دارند و تنها به وجود و وحدانیت خدا معتقد هستند. میزان پایبندی دینی در غالب افراد این گروه پایین بوده است.

خوابگاه و معاشران خوابگاهی و میزان تعلق به آنها یکی از مولفه های رویکرد فرهنگی است. غالب افراد این گروه در این زمینه یعنی ابراز هویت خوابگاهی و معرفی خود به عنوان یکی از ساکنان خوابگاه خصوصی مشکلی نداشتند اما بیشتر آنان تعلق چندانی به خوابگاه نداشتند فقدان حریم خصوصی عامل عمده انتقاد آنها از محیط خوابگاه بود و تاکید داشتند که بدون شک در صورت مهیا بودن شرایط بهتر، زندگی مرفه تر و حریم خصوصی وسیع تر آن را ترک خواهند کرد. در زمینه زندگی در خوابگاه و معاشران خوابگاهی نیز اگرچه برخی افراد این تیپ به مزیت هایی همچون امکان انتخاب دوست از میان افراد هم فکر را ذکر کرده اند اما بیش از نیمی از آنان گفته اند که با هم اتاقی ها و هم خوابگاهی های خود رابطه صمیمی ندارند و معتقدند که افراد خوابگاه معمولاً آدم های قابل اعتمادی نیستند و صمیمیت زیاد با هم خوابگاهی ها سبب از بین رفتن حریم خصوصی انسان می شود.

این گروه از دانشجویان زنی را ایده آل می دانند که دارای وضعیت اقتصادی خوب، استقلال و رفاه مالی، امنیت شغلی، اعتماد به نفس بالا و رضایت از خود باشد و مهم ترین ویژگی یک زن ایده آل وضعیت اقتصادی مناسب به نحوی که بتواند خود را مستقل از دیگران به عنوان یک انسان و صرف نظر از جنسیتش، به دیگران معرفی کنند.

عوامل برانندگی زن هم که همچون ویژگی های زن ایده آل، هویت جنسیتی زنانه را از منظر فرد نمایان می سازد در افراد این تیپ صفاتی چون تعهد، مسئولیت پذیری، شجاعت، وفاداری، صبور بودن و زیبا بودن در بر می گیرد. که به هویت زنانه مدرن نزدیک تر است تا به هویت زن سنتی.

مقایسه افراد مذهبی و غیرمذهبی ساکن خوابگاه:

دختران مذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد تیپ اول ۲۶.۵ سال بوده و به طور متوسط ۵.۳ سال ساکن خوابگاه بوده اند. غالب افراد این تیپ دارای هویت خانوادگی مستحکم بوده و احساس تعلق بالایی به خانواده داشته و تعامل با اعضای

خانواده را نسبت به دوستان خود ارجح دانسته اند و بیش از نیمی از آنها یکی از افراد خانواده را الگو و گروه مرجع خود در زندگی ذکر کرده‌اند همچنین نتایج نشان می‌دهد که غالب افراد این تیپ ارتباط صمیمی با خانواده خود دارند. به علاوه میزان پابندی به دین در تمامی افراد این گروه، بالا بوده و از هویت دینی قوی برخوردار بوده‌اند. اکثریت این افراد رابطه صمیمی با هم اتاقی‌های خود دارند. و زندگی در خوابگاه را با وجود معایش پذیرفته‌اند. در مقوله هویت جنسیتی بهره‌مندی از تحصیلات و مرتبه علمی بالا، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، برخورداری از آرامش روحی و روانی و اخلاق پسندیده مشخصه مشترک افراد این تیپ در بیان ویژگی‌های زن ایده آل بوده است. به علاوه هرچند به لحاظ اهمیت خودآرایی و آراستگی‌های ظاهری برای زن ایده آل در بین افراد این تیپ اتفاق نظر وجود نداشت اما هرچه پابندی دینی بالاتر بوده فرد اهمیت کمتری برای این ویژگی قایل بوده است. چهار نفر افراد این تیپ اهمیت این مقوله را کم و ۵ نفر بقیه نیز آن را نسبتاً مهم شمرده‌اند.

دختران مذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این گروه ۳۰ سال بوده و به طور متوسط ۲ سال در خوابگاه خصوصی سکونت داشته‌اند. صمیمیت خانوادگی افراد این تیپ به ارتباط صمیمی با یکی از والدین مربوط می‌شود و غالب آنها مادرشان را صمیمی‌ترین عضو خانواده ذکر کرده‌اند. افراد این تیپ الگوی رفتاری و گروه مرجع خود را اعضای خانواده و بیشتر والدین خود ذکر کرده و گفته‌اند که در تصمیم‌گیری‌هایشان نظرات آنها را لحاظ می‌کنند. تعلق خانوادگی این افراد بالا بوده و به طور کلی خانواده، روابط خانوادگی و زندگی خانوادگی در افراد این گروه بخش مهمی از رویکرد فرهنگی‌شان را تشکیل می‌دهد که تأیید کننده هویت خانوادگی قوی در افراد این تیپ است. تمام افراد این تیپ سطح بالایی از پابندی دینی داشته و از هویت مذهبی قوی برخوردارند و مناسک مذهبی (به ویژه واجبات دینی) را بدون هیچ کنترل و اجباری انجام می‌دهند. همچنین غالب افراد این تیپ اظهار کرده‌اند با توجه به نامطلوب بودن زندگی در خوابگاه خصوصی برای یک دختر جوان از نظر اجتماع به ابراهویت خوابگاهی خود تمایلی ندارند و اگرچه میزان تعلق به خوابگاه در این افراد بسیار کم است و شباهت و احساس تعلق نسبت به معاشران خوابگاهی ندارند اما سعی می‌کنند که رابطه خوبی با آنها داشته باشند. این گروه زندگی در خوابگاه را علی‌رغم وجود مشکلاتش پذیرفته‌اند چون به نظرشان فرصتی برای یادگیری زندگی اجتماعی، استقلال، تعامل با فرهنگ‌های مختلف برایشان فراهم می‌کند. یک زن ایده آل از نظر افراد این تیپ دارای آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب بخصوص با همسر، تحصیلات عالی، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، اخلاق پسندیده، آراستگی در محیط خانه و زیبایی است. همچنین این افراد برای آراستگی‌های بیرون از خانه اهمیت کمی قایلند و معتقدند حضور زن در بیرون از خانه باید عاری از جلوه‌نمایی و آرایش نمایان و افراطی باشد.

خلاصه آن که غالب ساکنان مذهبی خوابگاه‌ها دارای تعلق خانوادگی بالایی بوده و خانواده را راهنما و گروه مرجع خود ذکر کرده‌اند. افراد مذهبی در مقایسه با غیرمذهبی‌ها ارتباط بهتری با هم اتاقی‌های خود دارند و علی‌رغم تفاوت‌های اعتقادی و رفتاری، با مشکلات و اختلاف عقیده با ساکنان خوابگاه کنار می‌آیند. و هرچند ساکنان مذهبی خوابگاه‌های خصوصی تمایلی به ابراز هویت خوابگاهی خود ندارند اما غالب مذهبی‌های ساکن خوابگاه دولتی از ابراز خوابگاهی بودنشان ابایی ندارند. همچنین پاسخگویان مذهبی، آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب بخصوص با همسر، تحصیلات عالی، استقلال مالی، اشتغال، خوداتکایی، اخلاق پسندیده، آراستگی در محیط خانه و زیبایی را مهمترین ویژگی‌های یک زن ایده‌آل می‌دانند.

دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه دولتی

میانگین سنی افراد این گروه ۲۸.۷ سال بوده و به طور متوسط ۴.۳ سال سابقه سکونت در خوابگاه دارند. غالب افراد این گروه خود را متعلق به خانواده‌ای صمیمی دانسته‌اند با این حال تنها نیمی از افراد این تیپ گفته‌اند که مسائل مهم زندگی خود را با خانواده در میان می‌گذارند و ترجیح می‌دهند بیشتر وقت خود را با خانواده بگذرانند و نیم دیگر این تیپ بر این باورند که تعلقات خانوادگی آنها پس از زندگی در خوابگاه به دلیل تغییر عقایدشان کمرنگ و ضعیف شده است. نهایتاً از مجموع صحبت‌های افراد این تیپ می‌توان نتیجه گرفت که هرچند غالب افراد این تیپ دارای تعلق خانوادگی نسبتاً بالایی هستند اما در مقایسه با افراد تیپ اول و سوم (یعنی افراد مذهبی) از تعلق خانوادگی کمتری برخوردارند. از طرف دیگر اغلب افراد این تیپ با توجه به ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، مناسکی و پیامدی) دارای پایبندی دینی پایینی بوده‌اند. تعلق خانوادگی کم و دینداری پایین حاصل تغییر شرایط زندگی اجتماعی و زندگی در محیط جدید است. به لحاظ میزان تعلق به خوابگاه و معاشران خوابگاهی، نسبت به خوابگاه تعلق احساس نمی‌کنند. این افراد علت تعلق نداشتن به خوابگاه را مشکلاتی همچون مقررات سخت خوابگاهی، جمعیت زیاد و کمبود امکانات و غیربهداشتی بودن محیط خوابگاه و اتاق‌ها دانسته‌اند. اما با وجود اجبار به زندگی خوابگاهی رابطه خود را با دوستان خوابگاهی صمیمی توصیف کرده‌اند و زندگی با گروه همسالان و امکان انتخاب دوست از میان همفکران را از مزایای زندگی خوابگاهی برشمرده‌اند. در ترسیم ویژگی‌های زن ایده‌آل افراد این تیپ تحصیلات عالی و ثروت، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، برخورداری از فضیلت‌های اخلاقی و آراستگی و زیبایی ظاهری را از ویژگی‌های بایسته یک زن ایده‌آل ذکر کرده‌اند. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در هویت جنسیتی مورد نظر افراد این تیپ ویژگی‌های اکسپانسیو و نقش‌های اجتماعی مهمی بیشتر از ویژگی‌های مادی و ظاهری دارد.

دختران غیرمذهبی ساکن خوابگاه خصوصی

میانگین سنی افراد این تیپ ۲۹ سال بوده و میانگین مدت سکونت این افراد در خوابگاه ۳ سال بوده است. در این تیپ اغلب مصاحبه شوندگان گفته اند که با خانواده خود رابطه صمیمی دارند. الگوی مرجع تمام دانشجویان این گروه خانواده آنها بوده است و به رغم زندگی دور از خانواده در شهر نسبتاً مدرن بندرعباس هنوز از خانواده به عنوان الگوی رفتاری و اجتماعی خود نام می برند. همچنین میزان پابندی دینی در غالب افراد این گروه پایین بوده است. غالب افراد این گروه تعلق چندانی به خوابگاه نداشتند فقدان حریم خصوصی عامل عمده انتقاد آنها از محیط خوابگاه بود. در زمینه زندگی در خوابگاه و معاشران خوابگاهی نیز اگرچه برخی افراد این تیپ به مزیت هایی همچون امکان انتخاب دوست از میان افراد هم فکر را ذکر کرده اند اما بیش از نیمی از آنان گفته اند که با هم اتاقی ها و هم خوابگاهی های خود رابطه صمیمی ندارند و معتقدند که افراد خوابگاه معمولاً آدم های قابل اعتمادی نیستند و صمیمیت زیاد با هم خوابگاهی ها سبب از بین رفتن حریم خصوصی انسان می شود. این گروه از دانشجویان زنی را ایده آل می دانند که دارای وضعیت اقتصادی خوب، استقلال و رفاه مالی، امنیت شغلی، اعتماد به نفس بالا و رضایت از خود باشد و مهم ترین ویژگی یک زن ایده آل وضعیت اقتصادی مناسب به نحوی که بتواند خود را مستقل از دیگران به عنوان یک انسان و صرف نظر از جنسیتش، به دیگران معرفی کنند. عوامل برانگیزی زن هم که همچون ویژگی های زن ایده آل، هویت جنسیتی زنانه را از منظر فرد نمایان می سازد در افراد این تیپ صفاتی چون تعهد، مسئولیت پذیری، شجاعت، وفاداری، و زیبا بودن در بر می گیرد. که به هویت زنانه مدرن نزدیک تر است تا به هویت زن سنتی.

خلاصه آن که در افراد غیرمذهبی هویت خانوادگی نسبت به ساکنان مذهبی خوابگاه ها ضعیفتر بوده و اکثریت آنها روابط صمیمانه ای با خانواده خود ندارند و هنگام بروز مشکلات ترجیح می دهند مشکلات خود را با افرادی غیر از خانواده در میان بگذارند. در اینجا باید توجه داشت مذهب، عاملی است که موجب کاهش تعلقات خانوادگی است اما خود مذهب نیز متاثر از ورود به فضای بزرگتر در زندگی و آشنا شدن با عقاید جدید است که ماحصل ورود به دانشگاه یا محیط شهری و درنهایت، زندگی در خوابگاه است. همچنین افراد غیرمذهبی نسبت به ساکنان خوابگاه بی اعتماد بوده و به دلایل مختلف با آنها صمیمی نیستند. اما تیپ غیرمذهبی نسبت به تیپ مذهبی، از خوابگاهی بودن خود به میزان بسیار کمتری احساس حقارت می کنند و سعی در پنهان داشتن آن نمی کنند. عوامل برانگیزی زن از نظر افراد تیپ غیرمذهبی وضعیت اقتصادی خوب، تحصیلات عالی، شاغل بودن، استقلال و خودکفایی، امنیت شغلی، اعتماد به نفس بالا، برخورداری از فضیلت های اخلاقی، مسئولیت پذیری، شجاعت، وفاداری، آراستگی و زیبایی ظاهری بوده است.

مقایسه افراد ساکن در خوابگاه های خصوصی و دولتی

میزان تعلق به معاشران خوابگاهی در افراد ساکن خوابگاه دولتی نسبتا بالا بوده و اکثر آنها روابط مناسبی با هم اتاقی های خود دارند. اعضای این تیپ با خوابگاهی بودن خود مشکلی ندارند و در هنگام معرفی خود ابایی از معرفی کردن خود به عنوان فرد ساکن خوابگاه ندارند. به علاوه این گروه تعلق زیادی به خانواده خود دارند و خانواده مهمترین گروه مرجع آنها است. زندگی مسالمت آمیز و آرام در کنار خانواده و صبر و توقع پایین و همچنین تحصیلات و استقلال از دیدگاه ساکنان خوابگاه های دولتی از ویژگی های زن ایده آل ذکر شده است.

ساکنان خوابگاه خصوصی احساس تعلق بالایی به خانواده های خود دارند. خانواده دیگران مهم آنها را تشکیل می دهد و به طور کلی دارای هویت خانوادگی قوی می باشند. اما احساس تعلق به خوابگاه ندارند. و اکثر آنها سعی دارند خوابگاهی بودنشان را پنهان کنند همچنین دارای تعلق کمی به معاشران خوابگاهی بوده و نسبت به هم اتاقی های خود حس بی اعتمادی بالایی دارند.

عوامل برزندگی زن از نظر افراد این گروه ثروت، استقلال مالی، تحصیلات عالی، اعتماد به نفس بالا، خوداتکایی، تعهد، آرامش و ایمان به خدا، رابطه خانوادگی خوب بخصوص با همسر، اشتغال و زیبا بودن بوده است.

فهرست منابع و مآخذ

- حسینی پاکدهی، علی (۱۳۹۲)، مبانی اقناع و تبلیغ، بندرعباس، انتشارات آن
- دفلور، ملوین، اورت، دنیس (۱۳۹۳)، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، بندرعباس، انتشارات صدا و سیما.
- دوران، بهزاد، محسنی، منوچهر (۱۳۹۳)، هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها در هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علیخانی، بندرعباس، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- رزازی فر، افسر (۱۳۹۹)، «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، سال دوم، پائیز ۹۹، صص ۴۷-۶۱.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۹۳)، زنان و بازتعریف هویت اجتماعی، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بندرعباس.
- نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۴)، بررسی صورت بندی الگوهای هویتی (محلّی، ملی، جهانی) در میان دانشجویان دانشگاه بندرعباس (مطالعه تطبیقی دانشجویان آذری و کرد دانشکده علوم انسانی وفنی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بندرعباس.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۹۱)، مبانی جامعه‌شناسی، بندرعباس، رایزن.

___ Jacobson, B, (2012) The Social psychology of The Creation of a Sports Fan Identity. A Theoretical Review of The Literature. Identity Theory and Social Identity Theory, University of Connecticut.

___ Joe Zhang. China's private sector in shadow of the state. Ft. com. Retrieved 2017-07-06.

___ Schwarz, B. (2014) Conservatism, nationalism and imperialism, in Donald, J. and Hall, S. (eds), Politics and Ideology, Milton Keynes, Open University Press.

___ Strauss A. & J (2015), Corbin, Basics of Qualitative Research; Grounded: Theory procedure and technique s. sage publication, London,

___ Tajfel H. (2012) Differentiation Between Social Group, London, Academic.